



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن

تاریخ: ۷ مهر ۱۳۹۴

موضوع جزئی: بررسی سازگاری تعبیر تسامح در ادله سنن با احتمالات ۵ گانه

مصادف با: ۱۵ ذی الحجة ۱۴۳۶

جلسه: ۵

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

تا اینجا در مورد مفاد اخبار من بلغ ۵ احتمال به حسب مقام ثبوت ذکر شد. البته احتمال ششمی هم قابل ذکر است و آن این که بگوییم اخبار من بلغ در مقام بیان ترتب مقدار ثوابی است که در اخبار ضعیف بیان شده بعد از آنکه اصل ثواب و خیر بودن عمل ثابت شده است. این احتمال گرچه به نظر ما احتمال بعیدی است ولی به هر حال در اینجا ذکر شده است.

بررسی سازگاری تعبیر مشهور با احتمالات ۵ گانه

بحث به اینجا رسید که، آیا قاعده تسامح با همه این احتمالات سازگار است یا با بعضی از این احتمالات؟ به نظر می‌رسد در بین این احتمالات آنچه با تعبیر تسامح در ادله سنن می‌سازد تنها یک احتمال است، چون طبق یک احتمال مفاد اخبار من بلغ حجیت خبر ضعیف است اگر ما بگوییم اخبار من بلغ، اخبار ضعیف دال بر استحباب را حجت می‌کند در این صورت این با تعبیر تسامح در ادله سنن سازگار است. چون تعبیر تسامح در ادله، یعنی خبری را که ضعیف است و حجت نیست، به واسطه اخبار من بلغ حجت می‌شود. تسامحی که از این اخبار استفاده می‌شود نتیجه آن حجیت خبر ضعیف است، اما مثلاً ارشاد به حکم عقل، یا ثبوت استحباب به عنوان ثانوی یا ترتب ثواب تفضلاً اینها هیچکدام با این تعبیر سازگار نیست به همین جهت اگر بخواهیم یک تعبیری کنیم که با همه این احتمالات سازگار باشد تعبیر «قاعده من بلغ» است، چون قاعده تسامح در ادله سنن به تعبیر دیگری هم بیان شده و آن هم قاعده من بلغ است.

لذا اگر بخواهیم تعبیری به کار ببریم که همه این احتمالات را در بر بگیرد مناسب‌تر است بگوییم قاعده من بلغ. تعبیری هم که مشهور به کار برده بخاطر این است که آنان مفاد اخبار من بلغ را حجیت خبر ضعیف می‌دانند، و اساساً اصطیاد این عنوان از این اخبار توسط مشهور برای این است که مشهور قائلند به دلیل به اخبار من بلغ، اخبار ضعیف حجت می‌شوند.

پس اگر ما این تعبیر را مبدل به تعبیر «من بلغ» کنیم اولی است.

بررسی مخالفت برخی فقها با قاعده

به آراء و انظار فقها و اصولیین نظر کنیم معلوم می‌شود بعضی از کسانی که به عنوان مخالف قاعده از آنها نام برده شده مخالف قاعده نیستند، چون آنها مخالف این برداشت از قاعده و تعبیری که برای این قاعده به کار رفته است، می‌باشند و الا معلوم نیست بتوانیم مخالفت با اساس این اخبار و قاعده را به عهده آنها بگذاریم و بگوییم آنها به طور کلی این قاعده را قبول ندارند، یک نمونه عرض می‌کنم:

بعضا از صاحب مدارک به عنوان مخالف قاعده یاد شده، عبارت صاحب مدارک را ببینیم که آیا ما واقعاً می‌توانیم از آن مخالفت با قاعده را استفاده کنیم؟

عبارت: «و ما قیل من أن ادله السنن یتسامح فیها بما لا یتسامح فی غیره، فمَنْظورٌ فیهِ لَأَن الاستحباب حکمٌ شرعیٌ فیتوقف علی الدلیل الشرعی کسائر الاحکام»^۱.

اینکه گفته شده ادله سنن تسامح می‌شود، درحالی که این تسامح در غیر ادله سنن وجود ندارد این محل اشکال است، چون استحباب یک حکم شرعی است پس مانند سایر احکام نیازمند دلیل شرعی است، لذا ایشان در واقع در اینجا استحباب را نفی می‌کند.

یکی از احتمالات ۵ گانه ثبوتی که ما گفتیم همین استحباب بود که در واقع عبارت اُخرای همان حجیت خبر ضعیف است، ایشان در واقع با این بیان نفی می‌کند آنچه را که مشهور گفته اند، مشهور گفته اند از اخبار من بلغ حجیت خبر ضعیف استفاده می‌شود، (هرچند این ملازم با استحباب به عنوان اولی است) ولی صاحب مدارک می‌گوید استحباب یک حکم شرعی مثل وجوب و حرمت و کراهت است که با دلیل ثابت می‌شود و ما نمی‌توانیم استحباب را با این مطلب که ادله سنن یتسامح فیها ثابت کنیم. حال با توجه به این نکته آیا می‌توانیم به گردن صاحب مدارک بگذاریم که ایشان به طور کلی مخالف قاعده من بلغ است یا به طور کلی اخبار من بلغ را قبول ندارد؟ آن چیزی که از این کلام استفاده می‌شود که از اخبار من بلغ استحباب بدست نمی‌آید اما چه بسا از اخبار من بلغ ترتب ثواب یا ارشاد به حکم عقل استفاده شود.

سوال: ظاهر عبارت ایشان این است که می‌خواهد قاعده را نفی کند.

استاد: نه، ایشان در مقام رد استحباب برای وضوی زن حائض است، می‌گوید «ما قیل من أن ادله السنن یتسامح فیها.... فمَنْظورٌ فیهِ»، آنچه را که بعضی می‌خواهند به واسطه آن استحباب را ثابت بکنند، ایشان نفی می‌کند. اما اگر کسی مثلاً بگوید، اخبار من بلغ یا قاعده من بلغ از آن ارشاد به حکم عقل استفاده می‌شود، می‌شود این را به گردن ایشان گذاشت که او مخالف قاعده است؟ به نظر ما این عبارت دلالت بر مخالفت صاحب مدارک با

^۱ - مدارک، ج ۱، ص ۱۳

قاعده نمی‌کند بلکه نهایت چیزی که استناد می‌شود مخالفت با برداشت مشهور از اخبار من بلغ و تعبیری است که مشهور به کار برده اند.

صاحب حدائق هم عبارتی نظیر این عبارت دارند: «والقول به بأن ادلة الاستحباب بما يتسامح فيها ضعيف و بذلك»^۲. قول به اینکه ادله استحباب در آن تسامح است این ضعیف است. بسیاری از فقها معتقدند با ادله تسامح و یا با اخبار من بلغ نمی‌توان استحباب را ثابت کرد، لکن ما نمی‌توانیم مخالفت اینها را با اثبات استحباب به این ادله به معنای نفی کلی قاعده بدانیم. آنها که این احتمالات را ذکر کرده اند در واقع تفسیرهای مختلف از اخبار من بلغ را بیان کرده اند یعنی هر کدام از اینها می‌تواند به عنوان مفاد اخبار من بلغ باشد، لذا باید توجه داشت که در اینجا موضع نفی و اثبات، مخالفت و موافقت چیست؟ بر این اساس بنده عرض کردم، تعبیر مهم است که چه تعبیری باشد و به چه احتمالی ملتزم بشویم، و ببینیم این احتمالات با کدامیک از این تعابیر سازگار است.

بررسی ثمره بعضی احتمالات

بحث پیرامون تفاوت یا عدم تفاوت بعضی از این احتمالات با یکدیگر از حیث ثمره است. ما مجموعاً ۶ احتمال ذکر کردیم. تفاوت ثمره بعضی از این احتمالات آشکار است و کسی هم انکار نکرده که اینها باهم فرق دارند، اما در مورد دو احتمال بحث هایی مطرح است.

بررسی حجیت خبر ضعیف و استحباب به عنوان اولی

در مورد اینکه آیا بین احتمال حجیت خبر ضعیف و احتمال استحباب به عنوان اولی فرقی هست یا نه ممکن است کسی گمان کند که این متفاوتند. البته ما این دو را از هم تفکیک نکردیم ولی اشاره کردیم که بنا بر قولی این دو باهم فرق دارند.

یک وقت می‌گوییم اخبار من بلغ اثبات می‌کند حجیت خبر ضعیف را، یک وقت می‌گوییم اخبار من بلغ استحباب عمل را به عنوان اولی ثابت می‌کند، یعنی ذات عمل با قطع نظر از عروض عنوانی مثل بلوغ الثواب، آیا ثمره این دو احتمال متفاوت هستند یا یکی هستند؟ بین اینها می‌شود تفکیک کرد یا نه؟ با قطع نظر از این جهت که استحباب یک حکم فقهی و حجیت یک حکم اصولی است، آیا این دو احتمال به حسب واقع باهم متفاوت هستند یا لازم و ملزوم می‌باشند؟

به نظر می‌رسد کسی که قائل شده مفاد اخبار من بلغ حجیت اخبار ضعیف است، یعنی ملتزم شده به اینکه استحباب نفسی به عنوان اولی ثابت است. لذا ما نمی‌توانیم اینها را مقابل هم قرار دهیم و بگوییم کسی حجیت خبر ضعیف را پذیرفته ولی استحباب عمل به عنوان اولی را انکار می‌کند.

^۲ - حدائق، ج ۴، ص ۱۹۸

پس این دو باهم تفاوتی ندارند، مگر اینکه لازمه قول به حجیت خبر ضعیف، پذیرش استحباب به عنوان اولی است. اگر ما گفتیم این اخبار دلالت می‌کند بر حجیت خبر ضعیف، لازمه آن این است که استحباب آن عمل ثابت بشود، چون فرض این است که مضمون خبر ضعیف استحباب یک عمل است و وقتی یک خبری معتبر شد یعنی مضمون آن معتبر است، پس دلالت بر استحباب آن عمل به عنوان اولی می‌کند. لذا بین این دو احتمال فرقی نیست.

بررسی حجیت خبر ضعیف و استحباب به عنوان ثانوی

آیا بین احتمال دوم و احتمال سوم، یعنی احتمال حجیت خبر ضعیف و احتمال استحباب به عنوان ثانوی، فرق است یا نیست؟ این دو احتمال را قبلاً توضیح دادیم، مثلاً خبر ضعیفی قائم شود بر اینکه آمین بعد از قرائت فاتحه مستحب است، اینجا تارة گفته می‌شود این دلالت بر استحباب می‌کند ولی استحباب ذات این عمل ثابت نمی‌شود یعنی اخبار من بلغ نه حجیت این خبر ضعیف را ثابت می‌کند و نه استحباب به عنوان اولی را، بلکه استحباب به عنوان ثانوی را اثبات می‌کند یعنی استحباب این عمل «بما أنه بلغ الثواب علیه» و اخیری گفته می‌شود این خبر با این که ضعیف است حجت می‌شود.

کلام محقق خوئی در انکار ثمره

مرحوم آقای خوئی فرمودند که درست است این دو احتمال به حسب ظاهر باهم متفاوت هستند، یعنی عنوان یکی حجیت است که یک حکم اصولی است و عنوان دیگری استحباب به عنوان ثانوی است که یک حکم فقهی است، ولی هیچ ثمره ای و اثری بر این دو احتمال مترتب نمی‌شود، یعنی تفاوتی از حیث ثمره ندارند، ایشان یک ثمره را نقل میکنند و آن را هم رد می‌کند.

ثمره

ایشان می‌فرمایند: مثلاً اگر خبر ضعیفی دلالت کند بر اینکه آمین در نماز پس از فاتحه مستحب است و در مقابل روایت صحیحی دلالت کند بر حرمت آمین پس از فاتحه، اینجا بر اساس هر یک از این دو احتمال ثمره متفاوت است.

اگر ما از اخبار من بلغ حجیت را استفاده کنیم، در این صورت این خبر ضعیف حجت شده، با آن خبر تعارض می‌کنند و نتیجه آن تساقط است و لذا مفاد هیچکدام ثابت نمی‌شود.

ولی اگر ما بگوییم اخبار من بلغ استحباب عمل به عنوان ثانوی را ثابت می‌کند یعنی این که این عمل مستحب است چون بلغ الثواب علیه، آنوقت ما از یک طرف خبری داریم دال بر استحباب آمین بعد از فاتحه، از طرف دیگر خبری دال بر حرمت داریم، منتهی خبر دال بر حرمت یک خصوصیتی دارد که نهایتاً باعث می‌شود مقدم شود.

توضیح مطلب اینکه:

اولاً اینجا ادعا می‌شود که بین این دو تراحم است، چون یک خبر دالّ بر استحباب است و خبر دیگر دالّ بر حرمت است و بین ملاک حرمت و ملاک استحباب تراحم است، ولی ملاک حرمت اقوی از ملاک استحباب است، چون دلیل حرمت اطلاق دارد ولی دلیل استحباب اطلاق ندارد، برای اینکه دلیل استحباب فقط در یک صورت استحباب را ثابت کرده، و آن هم استحباب عمل در فرض بلوغ الثواب است، یعنی فقط در حالت عروض عنوان ثانوی این استحباب را ثابت کرده است، اما دلیل حرمت اطلاق دارد، ظاهر دلیل حرمت این است که آمین حرام است چه «بلغ علیه الثواب و چه لم يبلغ علیه الثواب»، و در تراحم بین این دو قهراً ملاک حرمت اقوی از ملاک استحباب است. بنابر این جانب حرمت مقدم می‌شود. این یک ثمره ای است که اینجا برای این دو احتمال نقل شده است.^۲

سوال: اینجا چرا مطلق حمل بر مقید نمی‌شود؟

استاد: این در مورد تعارض است. یعنی در تعارض بدوی مطلق حمل بر مقید می‌شود ولی اینجا تعارض نیست بلکه تراحم است.

انکار ثمره

مرحوم آقای خوئی این ثمره ای که اینجا برای این دو احتمال گفته شده را رد کرده اند به این صورت که: بطور کلی اخبار من بلغ ناظر به مواردی است که احتمال استحباب باشد، و امر دائر بین مستحب و غیر مستحب باشد، اما در جایی که عقابی وارد شده و آن عمل هم حرام دانسته شده، بلوغ الثواب شامل آنها نمی‌شود و موضوعاً از بحث خارج می‌شود، اخبار من بلغ می‌گوید، «من بلغ علیه ثواب»، یعنی در مورد این شیء احتمال حرمت نباشد یا اساساً حرمت و عقابی وارد نشده باشد، اما اگر مثل ما نحن فیه به واسطه، خبر صحیحی ثابت شد که این عمل عقاب دارد اصلاً اخبار من بلغ، اینجا شامل نمی‌شود. مفاد اخبار من بلغ در مواردی است که بلوغ الثواب نسبت به جایی باشد که احتمال عقوبت و حرمت در مقابل آن بیان نشده باشد. وجهی هم که می‌توان برای آن ذکر کرد انصراف است، یعنی اساساً اخبار من بلغ انصراف دارد به جایی که عقابی در مورد آن وارد نشده باشد، یعنی دلیلی که دالّ بر عقاب یا حرمت باشد نسبت به آن وارد نشده؛ بعبارت دیگر خالی الذهن و خالی از هرگونه دلیل دیگر، به گوش شما خورده که فلان عمل این ثواب را دارد. اینجا اخبار من بلغ می‌گوید چون این ثواب به شما رسیده این ثواب به شما داده می‌شود.

^۲ - مصباح الاصول، ج ۲، ص ۳۲۱.

سوال

استاد: آن را باید بحث کنیم که آیا اساساً اخبار من بلغ شامل مکروهات می‌شود یا نه؟ شامل محرمات می‌شود یا نه؟ شامل واجبات می‌شود یا نه؟ اصلاً وقتی می‌گوییم در مکروهات و محرمات یعنی خبر ضعیف دال بر کراهت و حرمت، آنها را هم ثابت می‌کند یا نه؟ یعنی اگر خبر ضعیفی رسید که فلان چیز مکروه هست آیا کراهت ثابت می‌شود یا نه؟ یا اگر خبر ضعیف دال بر حرمت رسید می‌توان با آن کراهت را ثابت کرد؟

اینها را بعداً ما تحت عنوان محدوده اخبار من بلغ بحث خواهیم کرد.

به هر حال این ثمره انکار شده است، مرحوم آقای خوئی هم آن را رد کرده اند. ولی غیر از این ثمره که محل اشکال واقع شده، ۷ ثمره را شهید صدر ذکر کرده اند که انشاءالله مرور اجمالی بر آن خواهیم داشت.

«والحمد لله رب العالمین»